

یک طلبه و روحانی به دلیل شغل و وظیفه ای که دارد باید روح و باطن خود را در دستورات الهی، نورانیت ببخشد و آنچه را که روح و روحانیت را صیقل می‌کند انجام دهد. و از آنچه که به روح و روحانیت ضرر می‌زند دوری نماید و اگر کسی چنین رفتاری نداشته باشد، روحانی نیست، بلکه جسمانی است، و وقتی جسمانی شد از گروه و نظام مقدس روحانیت خارج می‌شود، و چه بسا اگر خود را خارج نکند به جامعه روحانیت ضربه می‌زند، زیرا مردم علاوه بر اینکه از یک روحانی، اعمال روحانیت مثل رعایت تقوای الهی، علم و دانش وسیع و اهمیت به نمازهای واجب و مستحب و قرائت قرآنرا توقع دارند، بلکه به این گونه امور قانع نیستند و از آنها توقع زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و دوری از پست و مقام و ثروت و غیره داند زیرا که پیامبران و امامان (ع) چنین بودند.

برای کسانی که می‌خواهند در این راه قدم بردارند، لازم است که اولاً جایگاه خود را شناخته و قبل از ورود به این سلک و لباس مقدس روحانیت، وسائل ترقی و پیشرفت خود را بر مبنای قرآن کریم و شیوه اهل بیت پیامبر اکرم (ص) در نظر گرفته و راه را بر خود و دیگران هموار سازند. در همین راستا این تحقیق به چهار عنوان طلبه و هویت طلبه، خصوصیات فردی و اخلاقی، خصوصیات خانوادگی و اجتماعی، بر طبق سیره علما پرداخته است.

## گفتار اول: هویت طلبه

همان طور که از حدیث مشهور و صحیح السند عن ابی عبدالله علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «ان العلماء ورثة الانبياء»<sup>۱</sup> بدست می آید، متوجه میشویم که علمای دین، وارثان انبیا الهی هستند و این نیز به نوبه خود، وظیفه آنها را به شدت سنگین و در مقابل پاداش آنها را هم پر برکت خواهد کرد.

طلبه از اینکه در زمره صنفی اولیای برگزیده خداست، برخوردار می باشد و با عنایت حق باید تلاش کند تا خلف صالحی برای آنان باشد.

مسیر طلبگی استمرار راه انبیا است و طلبه در راهی قدم نهاده که پیش از اوسفران الهی و بهترین بندگان او آن راه را طی کرده و پشت سر نهاده اند. راهی بس پرشکوه و پر حماسه راهی سرشار از عظمت و افتخار راهی سراسر افتخار آمیز و غرور آفرین راهی هموار و درعین حال دشوار.

خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می کند، رفع مهمترین و حیاتی ترین نیاز انسان است. نیاز انسان به معنا، نیاز انسان به انسانیت، نیاز انسان به خدا و نیاز انسان به هدایت ... و آشنا سازی آنها با مهمترین حقیقت هستی یعنی خدا.

هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است. یعنی برخلاف دیگر مردم عمده زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند. طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن، یا دفاع از آن، یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند. یعنی علاوه بر خودشناسی و خودآگاهی و خودسازی فردی باید به خودشناسی و خودسازی و خودآگاهی صنفی نیز بپردازد. هرکسی حق دارد روحانی را پاسخ گوی پرسش های دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی

---

<sup>۱</sup>. کافی، طبع دارالحدیث، ج ۱، ص ۷۷

برای ابلاغ پیام خدا داشته باشد.<sup>۲</sup>

نکته بسیار مهم این است که موفقیت مرحله ای درگرو دو عامل بسیار تعیین کننده است ایمان و صبر. شکستهای دربین راه بر اثر فقدان این دو عامل و پیروزیهای درخشان بر اثر به کارگرفتن آن بوده است.

هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند و هرکسی می تواند از روحانی انتظارگه گشایی و بن بست شکنی در تلاطم های روحی و بحران های فکری اعتقادی داشته باشد.

برخی میان طلبگی و روحانیت تفکیک کرده اند، طلبگی فصل اول حیات روحانی است و روحانیت امتداد طبیعی طلبگی، طلبگی فصل آموختن و پرورده شدن است. آموختن و پرورده شدن به غایت خدمت اجتماعی خاص که در فصل دوم حیات او ارائه می شود، بدین ترتیب روحانیت بدون طلبگی یعنی انجام بدون آمادگی و آموزش طلبگی بدون تعهد خدمت یعنی فراهم آوردن بدون بهره .

هر کس که طلبه می شود به سازمان روحانیت شعیه وارد می شود و همه رسالت ها و وظایف آن را بردوش می گیرد؛ وظایفی که نمی تواند نسبت به آنها بی اعتنا باشد؛ اما در آغاز راه باید برای انجام آن وظایف، مدتی آموزش ببیند و آمادگی کسب کند. روحانی که به خدمات اجتماعی فرهنگی و دینی مشغول است نیز طلبه است. از آن جهت که هر عنصر خدوم اجتماعی موظف است همواره و پیایی بهره های خود را افزایش دهد با تخصص و دانش و تجربه بیشتر در میدان خدمت حضور یابد و فرمان تاریخی پیامبر اکرم (ص) به دانش آموزی تا پای گور اطاعت کند .

---

<sup>۲</sup> علی وافی، نسیم هدایت، قم، شفق، ۱۳۹۰، چاپ دوم، ص ۸۸-۸۷

## گفتار دوم: شرایط ورود به حوزه

می توان گفت که هیچ سن و مدرکی برای ورود به حوزه، مانع اصلی به حساب نمی آید چنانچه کسی واقعاً علاقمند و صاحب اراده باشد، در هر سنی که وارده حوزه شود موفق خواهد بود بنابراین هر کس چه در دوره راهنمایی و چه در مقطع پایان دوره دبیرستان باشد، هیچ سنی به عنوان مانع بنیادین برای ورود به حوزه مطرح نیست. (البته اگر سن به ۵۰ یا ۶۰ برسد از محور بحث خارج است) تجربه نشان داده است که پایان دوره راهنمایی مناسبترین سن برای ورود به حوزه می باشد که استثنائاتی دارد و بایستی آنها را در نظر گرفت، زیرا سطح درسی دوره بعد از دبستان نوعی آمادگی برای خواندن دروس حوزوی ایجاد می کند و در مرحله بعد از دبیرستان برای ورود به حوزه، به خاطر مشکل گذشت زمان که مقداری دیر است، نه اینکه مشکل خاص و عمده به حساب آید و رشته تحصیلی در دوره دبیرستان نمی تواند تعیین کننده یا مانع کلی باشد، اما به نظر می رسد: رشته ریاضی و علوم انسانی مناسبترین باشند و در خصوص رشته علوم انسانی سختی کلی دروس حوزه یا رشته های علوم انسانی است. ممکن است تشکیلات حوزه بنا به ضرورت ها و اولویت ها برای پذیرفتن علاقه مندان، شروطی را قرار دهد، اما شرط خاصی برای این کار جز آنچه گفته شده به نظر نمی رسد، حتی استعداد زیاد، هر چند ادامه دادن دروس حوزه، استعداد بالایی می طلبد؛ در عین حال این را نمی توان شرط لازم دانست، اصولاً انسان می تواند خود استعداد لازم را به دست آورده و با کوشش و تلاش استعدادش را شکوفا کند. استعداد اندک، نباید مانع آمدن به حوزه گردد.<sup>۳</sup>

## گفتار سوم: بایسته های فردی طلبه

اکنون که با فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت و فضای عمومی حوزه های علمیه آشنا شدیم به بررسی مهم ترین هنجارها و بایسته های دنیای طلبگی می پردازیم.

---

<sup>۳</sup> ابوالقاسم علی دوست، صراط، قم، دارالفکر، ۱۳۸۷، تلخیص صص ۳۱-۲۶

قبل از آغاز هر هرکاری لازم است ابتدا افق وهدف نهایی آن کار وفعالیت به صورت کاملاً واضح وشفاف به صورتی که احتمال تفسیر پذیری آن افق به حداقل ممکن برسد، بیان شود، حال سوال مهم واساسی اینست که امروز در شرایط کنونی به راستی وظیفه وافق تعریف شده برای طلاب و علمای دین چیست؟

#### ۱. حفظ حدود الله

حفظ حدود الله به معنای حفظ حقوق و حدود، رعایت حرمت ها و مرزها و پاسداری از قوانین و موازین است. خداوند در سوره بقره آیه ۲۲۹ می فرماید: (( تلک حدود الله فلا تعتدوها )) اینها حدود خداست ، از آنها فراتر نروید ، رسول خدا(ص) نمونه اعلا و جامع حفظ حدود الله بود و هرگز در این باره کوتاهی روانداشت و کمترین تجاوزی از آن نکرد. به هیچ وجه در حق قصوری نمی کرد و از حق و آنچه دین مقرر داشته، پافراتر نمی نهاد. آنچه در زندگی پیامبر به عنوان اصلی مطلق در تمام امور و کلیه مراحل مشاهده می شود اصل حفظ حدود و مرزهای الهی است. این اصل نه تنها در برخورد با مومنان و مسلمانان که در برخورد با کافران و مشرکان و حتی دشمنان حربی نیز لازم است رعایت شود.

همه چیز باید در مرز خویش و حدود تعیین شده قرار گیرد و هیچ کس حق تعدی از آنها را ندارد. طلبه ها و روحانیون خالص همانطور که خداوند در قرآن تأکید فراوانی بر حفظ حدود خود دارد ، باید مرزهای الهی را بشناسند و آنها را پاس بدارند. مرز شناسی از مبانی اعتقادی است و اسلام مجموعه ای از مرزهاست و طلبه ی راهرو در مرز؛ هرگز مرزها را نمی شکنند و از آنها عدول نمی کند و ایشان هر سختی را پذیرامی شود اما هرگز از حدود خدا فراتر نمی رود؛ زیرا حرکت در مرزها، حرکت در صراط است و در بهشت الهی قدم زدن و خروج از مرزها خروج از صراط است و در جهنم گام

یکی از وجوه امتیاز انسان بر حیوانات، لباس اوست. لباس پوشیدن، از ویژگی‌ها و شئون اختصاصی انسانها، و پدیده‌ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر به قدر پهنه‌ی جغرافیا امروزی زمین گسترش دارد.

بازیابی، تاریخ لباس روحانیت، نیازمند پرورش گسترده‌ای است. اما بررسی کتابهای تاریخی نیز به سهولت بر ما آشکار می‌کند که در گذشته، اصناف مختلف اجتماعی از جمله روحانیون، علما، فقها، لباسهای متفاوت داشته‌اند. لباس روحانیت یک نماد است، نمادی از یک صنف و نشانی از یک نهاد که رسالتی بزرگ بردوش دارد. اگر از لباس روحانیت، به عنوان لباس پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) یاد می‌شود، به این معنا نیست که آنها همین عمامه و عبا و قبا را با سبک امروزی آن در برداشته‌اند. این سخن بیان وابستگی این نماد به اسلام و تشیع و پیوند آن با نبوت و امامت است و به همین دلیل بزرگداشت این لباس روحانیت شامل ۱- اعلام آمادگی برای خدمات اجتماعی ۲- تداعی و تذکر ارزشها برای صاحب لباس ۳- اعلام حضور اندیشه اصیل دینی ۴- تصریح به آرمان‌ها ۵- القای ناخودآگاه حقانیت و غیره می‌باشد.

این لباس که لباس علمان دین است، برای ابلاغ پیام دین، دفاع از وحی و ایفای وظیفه‌ی سترگ تعلیم و تربیت زمینه ارتباطی همواری پدید می‌آورد که در آن انتقال پیام، به سهولت امکان پذیر است. این لباس، معرفی خاموش روحانیت است که در انجام وظایف خود باید توان خویشتر را عرضه و حضور خود را ابراز نماید. لباس روحانیت به دلیل پیوندی که با دین یافته، تداعی کننده دعوت انبیاء به خدا، قیامت، و وحی آسمان است و این تداعی برای انسان ارزش فراوان دارد. البته عالمان دین بدون داشتن لباس مشخص هم می‌توانند وظایف خود را انجام دهند ولی پوشیدن این لباس مورد توصیه است و فواید بسیاری دارد و نمادی از علم و دین و تقوا می‌باشد.<sup>۵۸</sup>

<sup>۵۸</sup> محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم، موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، بهار ۱۳۸۹، چاپ چهارم، تلخیص ص ۳۹-

## فهرست منابع

### • قرآن

- ۱- احمدی، مجتبی، حوزه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، چاپ اول، تلخیص صص ۱۱۳-۱۰۲
- ۲- اختری، عباسعلی، مدیریت علمی، مکتبی از دیدگاه اسلام، تهران، نشر بین الملل، تابستان، ۸۷، چاپ دوم ص ۱۱۴-۱۱۳
- ۳- ارفع سید کاظم، شرح دعای مکارم الاخلاق، بی جا، فیض کاشانی، بهمن ۶۸، ص ۳۷-۳۶
- ۴- اسکندری، محمد حسین، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، پاییز ۸۰، چاپ ۴، ص ۳۸۳
- ۵- اسماعیل پور، علی، روحانیت شیعه، رشت، مفید، آبان ۸۹، چاپ اول، ص ۹۴
- ۶- اسماعیل یزدی، عباس، فرهنگ مقاومت باید ها و نباید های اخلاقی، قم، دلیل ما، زمستان ۱۳۹۰، چاپ دوم، ص ۲۴۱-۲۳۶
- ۷- آقا نوری، حمید، اخلاق حرفه ای و وظایف روحانیت از نگاه امام خمینی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، زمستان، ۹۱، چاپ اول ص ۷۴-۷۳
- ۸- الهی نیا جعفر وفا، اندیشه دینی، بی جا، معاونت آموزشی عقیدتی سیاسی، پاییز ۸۳، چاپ اول، ص ۱۲۶
- ۹- آملی، جوادی، مفاتیح الحیاه، قم، اسراء، بهار ۹۱، چاپ ۱۵، ص ۲۵۳
- ۱۰- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، چاپ چهارم، ص ۳۴۳-۳۴۲

- ۱۱- برخوردار، شاکر، آفات طلاب، ج ۲، تهران، لاهوت، چاپ پنجم
- ۱۲- پیروز ابوطالب خدمتی، علی آقا، عباس شفیعی، محمد بهشتی نژاد، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زمستان ۱۳۹۲، چاپ نهم، تلخیص صص ۱۴۹-۱۵۲
- ۱۳- حجتی، سید محمد باقر، مسائل تربیتی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ دهم، تلخیص صص ۳۰-۳۸
- ۱۴- حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد ع، قم شفق، بهار ۸۵، چاپ دوم، صص ۵۸۸-۵۸۹
- ۱۵- خمینی، روح اله، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۱، چاپ پنجم، تلخیص صص ۴۴۸-۴۵۲
- ۱۶- خنیفر و مزده پورحسینی، مهارت های زندگی، قم، هاجر، تابستان ۹۰، چاپ ۱۱، صص ۴۰
- ۱۷- دسترنج، فاطمه، آسیبشناسی فرهنگی جامعه دینی از منظر نهج البلاغه، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲، چاپ اول، صص ۲۸
- ۱۸- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، تهران، دریا، ۱۳۸۳، چاپ سوم، تلخیص صص ۷۴-۱۱۸
- ۱۹- وافی، علی، نسیم هدایت، قم، شفق، ۱۳۹۰، صص ۸۸-۸۷
- ۲۰- ذوالفقاری، محسن، مجموعه مقالات کنگره ملی آموزه های تربیتی در اندیشه ام علی (ع) اراک، بسیج اساتید، سپاه روح اله، ۱۳۹۱، چاپ اول، صص ۶۱۰
- ۲۱- رحیمی، عباس، جوان موفق، قم، جمال، ۱۳۹۲، چاپ ۱۱، صص ۲۴
- ۲۲- رحیمی، عباس، اسراف چرا، قم، جمال، ۱۳۸۸، تلخیص صص ۹-۴۰
- ۲۲- رحیمی اصفهانیرغلامحسین، اخلاق اسلامی، جلد دوم، تفرش، عسگریه، تابستان ۱۳۷۷، چاپ چهارم، تلخیص صص ۱۷۰-۱۸۰



- ۲۳- زیبایی نژاد، محمد رضا، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی  
 قم، هاجر، اول، ۱۳۹۱، تلخیص صص ۱۷۹-۱۴۵
- ۲۴- سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه  
 ها، پاییز ۱۳۷۱، چاپ یازدهم، ص ۱۱۴
- ۲۵- سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ نهم، ص  
 ۵۸
- ۲۶- سالاریفر، محمد رضا، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم، هاجر، بهار ۹۴، چاپ ۱۴، ص  
 ۵۸-۵۹
- ۲۷- سرگروه های جوانان و برادران، صالحین، بیجا، معاونت تعلیم سازمان بسیج مستضعفین  
 آذرماه ۹۱، چاپ اول، ص ۱۰۲
- ۲۸- عبدالله، اخلاق، قم، ج ۲، هجرت، ۱۳۸۰، چاپ ششم، تلخیص ۳۶۴-۳۵۷
- ۲۹- شفائی، محبوب، روزی و انفاق، سنابل، قم، ۱۳۹۲، تلخیص از صص ۲۲-۱۸، صص ۷۸-۵۲
- ۳۰- شمس الدین، سید مهدی، آداب دوستی و معاشرت، قم، شفق، تابستان ۷۶، ص ۵۲
- ۳۱- شیخایی، علی باقر، حسین اسحاقی، قم، هاجر، ۱۳۹۳، چاپ ۹۴، تلخیص صص ۶۶-۶۴
- ۳۲- صمصامی، احمد، انوار الهدایه، نوای قم، ۱۳۸۷، اول، صص ۷۹-۷۸
- ۳۳- طباطبایی نسب، محمد رضا، عطر بندگی، تهران، نورالائمه، ۱۳۹۱، چاپ دوم، صص ۱۷۵-۱۷۴
- ۳۴- طباطبایی نسب، محمد رضا، ترجمه و تبیین المراد منیه المرید، قم، حقوق اسلامی، زمستان  
 ۱۳۸۰، چاپ اول، تلخیص صص ۶۲-۵۷
- ۳۵- عالم زاده نوری، محمد، لباس روحانیت، قم، موسسه آموزش و پرورش امام خمینی، بهار  
 ۱۳۸۹، چاپ چهارم، تلخیص صص ۳۹-۲۹

- ۳۶- عزیززی، عباس، رهنمود های امام صادق ع، قم، نبوغ، ۷۹، چاپ دوم، ص ۲۱۴
- ۳۷- علیدوست، ابوالقاسم، صراط، قم، دارالفکر، ۱۳۸۷، تلخیص صص ۲۶-۳۱
- ۳۸- فتحعلی خانی، محمد، علم اخلاق، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر مصطفی (ص) ۸۹، چاپ دوم، تلخیص صص ۱۸۰-۱۸۸
- ۳۹- قربانی لاهیجی، زین العابدین، اخلاق تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انصاریان، زمستان ۷۱، چاپ اول، ص ۳۲۷
- ۴۰- محدثی، جواد، درس نامه اخلاق امام، قم، بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰، چاپ اول، تلخیص صص ۱۷۷-۱۸۱
- ۴۱- محدثی، جواد، چهل حدیث امام، قم، هاجر، ۱۳۹۵، چاپ ۷، تلخیص صص ۲۵۶-۲۵۸
- ۴۲- مشکینی، نصایح سخنان چهارده معصوم، قم، هادی، ۱۳۹۵، چاپ ۴۳، ص ۲۴
- ۴۳- مصباح یزدی، محمد تقی، مشکلات مصباح، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی، بهار ۱۳۹۱، چاپ سوم، تلخیص صص ۲۳۳-۲۳۵
- ۴۴- مکارم، مسعود، رمز موفقیت، قم، امام علی ابن ابیطالب (ع)، ۱۳۹۲، چاپ پنجم، ص ۱۲۰